



بالانشینی شفافیت!

پدیدآورنده (ها) : ایزدبخش، حمید
میان رشته ای :: تأملات رشد :: پاییز و زمستان 1397 - شماره 2
از 180 تا 185
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1486580>

دانلود شده توسط : محمدحسین مرادی
تاریخ دانلود : 05/05/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



حمید ایزدبخش

پژوهشگر هسته سلامت مرکز رشد

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه امام صادق (ع)

۱. مقدمه

در این یادداشت کوتاه ابتدا به مسئله شناسی، به عنوان گام مهمی در حل مسئله اشاره کرده و نسبت و تمایز آن را با سایر مراحل اشاره می‌کنیم. سپس کمی به مفهوم شفافیت پرداخته و موقعیت فعلی آن را به همراه نقد این وضعیت ترسیم می‌کنیم؛ در این مسیر جایگاه واقعی شفافیت روشن‌تر خواهد شد. در بررسی شفافیت، به نسبت آن با اقتصاد مقاومتی خواهیم پرداخت و مثالی واقعی از فضای سیاست‌گذاری حسن ختام این یادداشت خواهد بود. اگر بخواهم پیام اصلی این مقاله را به صورت خلاصه بیان کنم، بدین صورت خواهد بود: شفافیت نباید به مسائل کشور تحمیل شود؛ بلکه باید تطابق مسئله با شفافیت را سنجد. این در صورتی محقق خواهد شد که شفافیت از جایگاه والایی که برای آن تعریف شده پایین آمده و در کنار سایر ابزارها بنشیند.

۲. مسئله چیست؟

مسئله را به فاصله میان وضع مطلوب (ایده‌آل) و موجود تعریف می‌کنند. ماهیت بسیاری از مسائل ذهنی بوده و برساختی از واقعیت هستند. اینکه ایده‌آل و آرمان مدنظر ما چه باشد در اینکه امروز را چگونه ببینیم و تحلیل کنیم بسیار اثرگذار است. این بدان معنا نیست که واقعیتی وجود ندارد بلکه بدان معناست که این ما و ادراک ماست که موقعیت را مسئله می‌پندارد. شرایطی را که یک فرد، گروه یا جامعه ناپسند و ناخوشایند می‌بینند، جامعه دیگر پسندیده و ایده‌آل می‌دانند. اینکه ما چه شرایطی را ایده‌آل تصور می‌کنیم و براساس آن شرایط امروز خود را خوشایند یا مسئله‌دار تصویر می‌کنیم، بسیار متکی بر ارزش‌ها و هنجارهای فردی و جمعی ما است.

بالانشرینی شفافیت!



شفافیت ابزاری است در کنار سایر ابزارها که باید با سنگ اقتصاد مقاومتی محک زده شود



طی کردن فرآیند ساختاردهی مسئله شامل بررسی موقعیت مسئله، ساخت فرامسئله، تعریف مسئله جوهری و تدقیق

به عنوان مثال شرایط امروز مسئله رسمی است.

مسئله فکر کنند به نسبت

داشته‌های خود با آن مسئله

می‌اندیشند؛ که چگونه می‌توانند میان آن دو ارتباط برقرار کنند. به طور مثال شخصی که تنها به ابزارهای کمی پژوهش مسلط است، هنگامی که با پژوهشی هرچند با مقتضیات روش‌شناسی کیفی مواجه شود، آن را به ابزارها و تکنیک‌های کمی ارجاع می‌دهد و در واقع خود را برمسئله تحمیل می‌کند.

۴. راه مسئله از پاسخ جداست!

پس از آنکه به خوبی با لحاظ تمامی نکات، مسئله را شناختیم آیا وقت آن رسیده است که به سراغ اجرا و عمل برویم؟ پاسخ منفی است. دریافت مسئله حداکثرنیمی از مسیر و راهی است که به حل مسئله ختم می‌شود؛ حل مسئله خود مسیری جدا می‌طلبد. با ذکر مثال شاید این نکته روشن‌تر شود. فرض کنیم یک پژوهش مسئله‌شناسی مهم‌ترین مسئله سیاست‌گذاری کشور را حضور مسئولان دو تابعیتی در رأس برخی امور اجرایی کشور اعلام کند. برخی به محض اینکه به این مسئله برخورد کنند، تصمیم خود را گرفته و عزم خود را برای برخورد با این مسئله جزم کرده و اولین راهکاری را که به ذهنشان می‌رسد و یا راهکاری را که از پیش به آن آشنایی (پرش به پاسخ) و یا دسترسی دارند انتخاب و اجرا می‌کنند. حال آنکه بسیاری از این مسائل نیازمند تدریج و اصلاح مرحله به مرحله با برنامه‌ریزی دقیق است. راحت‌ترین کارها در این مورد چیست؟ استفاده از ابزار رسانه. به همین خاطر هراز چند گاهی می‌شنویم که فلان تعداد از مسئولین یا فرزندان آن‌ها دو تابعیتی هستند. ممکن است با مطرح

کشور را که در التهابات مالی

شدیدی قرار دارد در نظر بگیرید، آیا باور شما این است که همه این شرایط را مسئله دار می‌دانند؟ این طور نیست. برخی این شرایط را بسیار مساعد و خوشایند برای رسیدن به آمال و آرزوهای خود می‌بینند، برخی زالوصفتانه به جان مردم افتاده‌اند و دیگری به دنبال قالب کردن ایدئولوژی‌های پوسیده سیاسی خود به افکار مردمی هستند که سال‌ها مغضوبشان بوده‌اند.

۳. اشتباه مهلک

اندیشمندان تحلیل خط‌مشی مرحله ساختاردهی مسئله را مهم‌ترین مرحله از فرآیند حل مسئله می‌دانند. اگر مسئله به اشتباه شناخته و فرموله شود، در واقع کل فرآیند به خطا خواهد رفت. فهم خوب مسئله و درک همه جانبه آن، می‌تواند بازیگران را از خطای راهبردی انتخاب مسئله اشتباه به دور نگاه دارد. تأکید این گام بر آن است که با رعایت اصول کلی از این خطا جلوگیری شود. طی کردن فرآیند ساختاردهی مسئله شامل بررسی موقعیت مسئله، ساخت فرامسئله، تعریف مسئله جوهری و تدقیق مسئله رسمی است؛ همچنین رعایت نکاتی مثل پرهیز از پرش به پاسخ از جمله اصول کلی مورد نظر است.

پرش به پاسخ چیست؟ اکثراً ما پیش از آنکه مسئله را شناخته و درک کنیم، تصمیم خود را گرفته‌ایم! این آفت و معضل بسیاری از پژوهشگران و تحلیل‌گران سیاست‌پژوه است. بسیاری از پژوهشگران با توجه به اینکه با رویکردها و ابزارهای محدودی آشنایی دارند و بالطبع در موارد محدودی خبرگی دارند، هنگامی که با مسئله‌ای مواجه می‌شوند، پیش از آنکه به آن



کردن آن در رسانه‌ها از بار مسئولیت خود بکاهیم اما آیا مسئله را حل کرده‌ایم؟

برای نشان دادن اینکه راه مسئله از راه پاسخ جداست، بیان چند نکته دیگر ضروری به نظر می‌رسد؛ اول آنکه هر منطقه و بستری الزامات و اقتضائات خاص خود را دارد. در این راستا هر پاسخی برای پختگی و آماده شدن در اجرا، نیازمند محک خوردن‌ها در بافت مورد نظر (به همراه بررسی گذشته و تجارب سیاستی موجود) و همچنین بررسی آورده‌ها و نتایج آن در بسترهای دیگر است؛ به عبارت دیگر مطالعات تطبیقی. از جمله الزامات دیگر این مسیر برخی مطالعات آینده‌پژوهانه است. پس از آنکه پاسخ پیشنهادی ابتدائاً با مسئله مورد نظر انطباق داشت، ارزش‌های جامعه هدف را خدشه دار نمی‌کرد (به تعبیر اسلامی آن با حق منطبق بود)، در بافت هدف خود محک خورد (به همراه انجام مطالعات تطبیقی)، مطالعات آینده‌پژوهانه اولاً پیامدهای بلندمدت و مستمر (در صورت داشتن پیامدهای بلندمدت) پیشنهاد را بر بافت هدف و در ثانی درخور و مناسب بودن پاسخ را با توجه به شرایط آتی قلمرو مورد نظر (که البته در این گام از دستاوردهای گام‌های پیش نیز بهره برده خواهد شد) بررسی می‌کنند. لازم به ذکر است دقت در انجام این مراحل، بستگی به سطوح مختلف اهمیت مسئله دارد که از ذکر آن در اینجا خودداری می‌کنیم.

ممکن است عده‌ای در طولانی بودن این مسیر اشکال کرده و به بهانه زمان بربودن آن، از آن شانه خالی کنند. پاسخ آن است که گذشتگانی که مشکلات امروز کشور به سوءتدبیر آن‌ها برمی‌گردد نیز تصور را داشتند. در ثانی اگر قرار است مشکل به معنای واقعی کلمه حل شود بایستی این مسیر طی شود در غیر این صورت بر بار مسئله افزوده خواهد شد. ثالثاً این بدان معنا نیست که برای شرایط موقت هیچ نسخه‌ای وجود

ندارد و رابعاً قرار نیست برای تمامی مسائل این مسیر به صورت کامل طی شود. بسیاری از اوقات افرادی که در یک حوزه-مسئله خبره می‌شوند، با زحمات و مطالعات گسترده خود این مسیرها را طی کرده‌اند و می‌توان از خبرگی آن‌ها در طی کردن سریع‌ترین مسیر استفاده کرد؛ اما به شرطی که واقعاً این مسیر را در گذشته به درستی طی کرده باشند و ثانیاً همان‌طور که اشاره شد چگونه طی کردن این مسیر به سطح اهمیت مسئله هم بستگی خواهد داشت.

۵. تحلیل شرایط ایران

هر بومی شرایط خاص خود را دارد و سازوکارهای اصلاح و تغییر خاص خود را می‌طلبد. ما نیازمند تئوری پردازان اصلاح هستیم تا بدانیم راه تغییر از کجا و چگونه است. ما در جناح مخالفان و معاندان تئوری‌های قوی و منحصر به فردی داریم که البته گام به گام تجربه شده و محک خورده و پیشرفت می‌کنند. گاهی برای تغییر در ایران از جنگ، گاه دیپلماسی، گاهی نفوذ، گاه تهدید، گاه تعامل سازنده، گاهی ترکیب چندگانه از آن‌ها و... بهره می‌برند. همه این‌ها بر پشتوانه‌های نظری و شرایط عملی خود تکیه دارند که به دنبال تغییر رفتار ایران هستند. آن‌ها از تجارب خود درس گرفته و هر روز طرح‌ها و الگوهایی را عملیاتی می‌کنند که اشتباهات گذشته را تکرار نکنند و ماحصل بهتری عایدشان شود.

آیا ما در ایران از تئوری اصلاح برخورداریم؟ به نظر می‌رسد برخی جناح‌های سیاسی به این نکته توجه کرده‌اند اما باز به نظر می‌رسد جناح‌بندی شدن و دنبال کردن اغراض سیاسی، اصل ایده و فکر را زیر سؤال برده است؛ هرچند به خوبی از آن بهره می‌برند. عده‌ای از افراد دلسوز نیز دائماً راهکارهای متفاوتی ارائه می‌دهند. یک روز به دنبال گرفتن دولت، روزی به دنبال مذاکره



برخی با عدم شفافیت شفافیت موافق ترند چون آنگاه می‌توانند آن را به هر مسئله‌ای تحمیل کرده و هر روز آن را به رنگی در بیاورند.

۷. مسئله یا مسئله‌سازی شفافیت

اگر بخواهیم از تشنگی مفهومی

در معنای شفافیت چشم‌پوشی کنیم، همچنان این سؤال باقی است که آیا عدم شفافیت مسئله است؟ همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد، عدم شفافیت مسئله نیست، در واقع شفافیت ایده‌آل و وضع مطلوبی است که عده‌ای در ادبیات جهانی و بین‌الملل در نسخه‌هایشان برای جهان سوم پیچیده‌اند و سپس نمایندگانشان در جهان سوم و دیگری آن را در این کشورها گفتمان کردند! امروز ما به جای آنکه آن را یک رویکرد و پرداخت خاص به مسئله بدانیم، آن را مسئله می‌پنداریم. حال آنکه شفافیت مسئله ما نیست، در بهترین حالت رویکردی خاص به مسائل ما است که بایستی بررسی شود که آیا می‌تواند پاسخگوی نیازهای ما باشد یا خیر.

۸. گفتمان‌سازی شفافیت

رهبری در بیان اقتصاد مقاومتی به صورت ضمنی دو نکته اصلی را طرح کرده‌اند، اول اینکه حوزه اولویت‌دار ایران اقتصاد است؛ اما با چه رویکردی؟ مقاومت‌سازی. بنابراین رهبری هم حوزه فعالیت و عملیات را مشخص کرده‌اند و هم نحوه برخورد و اصلاح آن را. در این شرایط مطرح کردن رویکردی جایگزین، در واقع به حاشیه بردن مقاومت‌سازی است. اگر کلان مسئله ما اقتصاد و رویکرد اتخاذی اصلاح آن مقاومت‌سازی است بایستی از همه ابزارها از جمله شفافیت در جهت اصلی بهره‌برده شود اما ذیل مقاومت‌سازی. به این معنا که تمام ابزارها با مفهوم مقاومت‌سازی محک زده شود و در صورتی که با آن سازگار بودند، از آنها بهره‌برده شود. اما شرایطی که ما امروز با آن مواجهیم، آن است که مقاومت‌سازی به کنار گذاشته شده و رویکردهای

و چانه‌زنی و روزی به دنبال امر دیگرند؛ اما آیا واقعاً ما

به درستی برای اصلاح مسائل و مشکلات خود قدم برمی‌داریم. اگر این‌گونه است چرا هنگامی که ما ۳۰ سال است از تحریم رنج می‌بریم، در حوزه تحریم بیمه نشده‌ایم؟ چرا وقتی ما تجربه تحریم‌های شدید سال ۹۱-۹۲ را داریم همچنان کشور ما از تحریم‌ها رنج می‌برد؟ شاید علت آن است که ما اصلاً عمقی و درست به مسائلمان نمی‌اندیشیم و حرکت نکردن صحیح در این مسیر ما را به تجربه کردن تجربه‌ها واداشته است.

۹. شفافیت به چه معناست؟

برای آنکه مفاهیم بالا را بتوانیم به صورت دقیق با موردی واقعی تطبیق دهیم، به راهکار همه‌جایی! شفافیت (که امروز از زبان همه به گوش می‌رسد) بپردازیم. اولین نکته‌ای که بایستی به آن توجه کنیم، تعریف شفافیت است.

معنای شفافیت چیست؟ در ادبیات روزمره معانی مختلفی از شفافیت به کار برده می‌شود. تا ندانیم شفافیت به چه معناست، امکان استفاده از آن را نداریم. البته برخی با عدم شفافیت شفافیت موافق‌ترند چون آنگاه می‌توانند آن را به هر مسئله‌ای تحمیل کرده و هر روز آن را به رنگی در بیاورند؛ در این میان بازیگر مشترک همه مسائل کسی خواهد بود که توانسته است شفافیت را به هر رنگ و شکلی در بیاورد. آنگاه هر کجا که از شفافیت سخن گفته شود، آن (ها) نیز حضور خواهند داشت. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنید با اتخاذ معانی مختلف از شفافیت، از روشن شدن آن کاسته‌اند.



جایگزینی مثل شفافیت در جای آن نشسته‌اند. سؤال آن است مگر رویکرد مقاوم سازی نبود؟! واقع آن است که یکی از ابزارهای دشمن، گفتمان سازی بدیل است. این گفتمان سازی بدیل برای اولویت‌هایی که ما داریم و بایستی به آن پردازیم رقیب ایجاد می‌کنند و تصمیم‌گیران ما را در هنگام تصمیم با تشتت و سردرگمی روبرو می‌کند. یکی از بازی‌های دشمن بازی با رویکردها است و گفتمان سازی برای ترجیح دادن و یا رقیب سازی رویکردهاست. هر رویکردی که امروز

در کنار مقاوم سازی مطرح شود، ما را از اولویت‌هایمان فاصله خواهد داد.

برخی شفافیت را زمینه‌ساز مقاوم سازی می‌دانند. اگر از آن‌ها پرسیم که چرا این قدر بر شفافیت تأکید می‌کنید، خواهند گفت شفافیت مقدمه مقاوم سازی است! اما باید دانست شفافیت و مقاوم سازی معادل همدیگر نیستند. شفافیت یک ابزار است اما مقاوم سازی یک رویکرد است. اگر به شفافیت پرداخته می‌شود بایستی از منظر و رویکرد مقاوم سازی باشد.

جدول ۱ - تعاریف مختلف از شفافیت

شفافیت چیست؟	تشریح	نقد
۱ شفافیت به مثابه افشاگری	برخی شفافیت را با افشاگری معادل می‌گیرند. به نظر می‌رسد این معنا، معنای غالب در میان اصحاب جراید و عموم مردم و حتی برخی پژوهشگران است. این دسته از شفافیت به مثابه اهرم فشار بهره می‌برند و هر کجا که احساس فساد کنند و یا بخواهند احساس فساد را القا کنند، از آن استفاده می‌کنند؛ به طور مثال انتشار فیش‌های حقوقی از دسته این امور است.	شفافیت برای چه به کار می‌رود؟ شفافیت ایجاد می‌کنیم که فساد کم شود؟ عدالت ارتقاء یابد؟ اما وقتی شفافیت به کار برده می‌شود در واقع پایه خود را سست می‌کند. هر چه بیشتر شفاف سازی (به این معنا) صورت گیرد، از سرمایه اعتماد کاسته می‌شود و این یعنی کسی دیگر حتی به اطلاعات و داده‌های منتشره اعتماد ندارد. وقتی اعتماد کل سیستم پایین بیاید، دیگر کسی حتی به شفافیت اعلامی هم اعتماد نخواهد کرد. حتی اگر همه سیستم شفاف و خالی از فساد شود، چون اعتماد تخریب شده است، کسی به اطلاعات اعتماد نخواهد کرد. با افزایش بی‌اعتمادی و تزریق روح غلبه فساد در کشور، نتیجه‌ای جز ترویج فساد در کشور نخواهیم دید و این یعنی دور باطل شفافیت!
۲ شفافیت به مثابه سامانه	معنای دیگری که اخیراً از شفافیت بیشتر به گوش می‌رسد، سامانه است. برخی شفافیت را به معنای سامانه‌های جمع‌آوری، تحلیل و ارائه اطلاعات می‌دانند که به ساختارمند کردن و روشن کردن اطلاعات برای مراجع مورد نظر می‌پردازد و با لحاظ سطح محرمانگی اطلاعاتی را منتشر می‌کند.	اولین نکته در این معنا آن است که چرا واژه شفافیت برای این سامانه‌ها جعل می‌شد. سال‌ها این سامانه‌ها در دنیا مطرح بوده است و علوم مختلف از جمله مدیریت به طرح روش‌های توسعه آن پرداخته شده است. طرح این سامانه‌ها تحت شفافیت جز غالب کردن روح شفافیت به معنای افشاگری و همچنین دادن دامنه قدرت به کسانی که صاحب این گفتمان هستند، چه عایدی خواهد داشت؟ اگر روشن‌تر بخواهم مطرح کنم، وقتی سازمان‌های دولتی برای حل مسائل تصمیم‌گیری خود به جای اینکه به دنبال راه‌اندازی سامانه باشند، آن را با سامانه‌های شفاف سازی خطاب کنند، کسانی استخدام و به کار گرفته خواهند شد و رویکرد کسانی به حساب خواهد آمد که صاحب این رویکرد می‌باشند و با توجه به پیشینه این رویکرد، اعتماد به صاحبان آن محل تأمل است.



۹. مثال از مقاومت‌سازی در سلامت

دوران تصدی آقای دکتر باقری لنکرانی بر وزارت بهداشت بود؛ بحث این بود که چه راهبرد سیاستی در بحث توزیع و واردات دارو اتخاذ شود؟ از کسانی که با نرم‌افزارهای تصمیم‌سازی آشنا بودند درخواست همکاری می‌شود (این نرم‌افزارها احتیاج به این دارد که یک گروهی از صاحب‌نظران هم‌زبان شده و فرضیاتی را شکل دهند سپس براساس آن حتی به شما بصری (visual) نشان می‌دهد که تصمیمات شما چه تبعاتی خواهد داشت). تقریباً شش ماه طول می‌کشد، حاصل

آن می‌شود که مهم‌ترین چیزی که می‌تواند دسترسی به دارو را برای کشور و آحاد مردم حفظ بکند، رفع انحصار است. در نتیجه مجوز شرکت‌های واردکننده و توزیع‌کننده را افزایش می‌دهند تا انحصار را از بین ببرند. به همین خاطر در اولین موج تحریم کشور یعنی سال ۸۷، در زمینه تأمین دارو تقریباً کشور با مشکل خاصی روبرو نمی‌شود. اما در سال‌های ۸۸ تا ۹۰ مسئولین وقت سیاست‌گذاری دارویی وزارت بهداشت، این شرکت‌ها را لغو مجوز کردند و با موج دوم تحریم‌ها، کشور به شدت دچار بحران دارو شد.

شفافیت چیست؟	تشریح	نقد
۳ شفافیت به‌مثابه مقدمه عدالت‌ساز (یا به‌صورت کلی مقدمه اصلاح)	برخی شفافیت با هر کاربردی را مقدمه عدالت می‌دانند. براین باورند تنها راهی که برای اصلاح و تغییر برای ما باقی مانده است، شفافیت است و بایستی با استفاده از این ابزار در جهت تحقق عدالت حرکت کنیم.	وقتی صحبت از ابزار می‌کنیم بایستی هدف استفاده از ابزار را نیز طرح کنیم. باید بپرسیم شفافیت برای چه؟ شفافیت برای عدالت؟ شفافیت برای آزادی؟ هدف استفاده از شفافیت، در نحوه استفاده آن تغییر ایجاد می‌کند. آیا با هر ابزاری می‌توان عدالت را محقق کرد؟ آیا کشورهایی که از این ابزار بهره‌مند شده‌اند، به عدالت نزدیک‌ترند؟ بر فرض که آن کشورها نزدیک‌تر باشند (که نیستند)، با چه سازوکاری ما را به عدالت می‌رساند و بسیاری از سؤالات بی‌پاسخ دیگر. باید گفت این افراد مسیری برای اصلاح در پیش گرفتند که انتهایی جز ناامیدی و یا تقابل نخواهند داشت.
۴ شفافیت به‌مثابه اکسیر حیات (رویکردی همه‌جایی)	برخی کاری ندارند که شفافیت چه معنا و اقتضائاتی دارد، با هر مسئله‌ای که برخورد می‌کنند از شفافیت سخن می‌گویند.	مهم‌ترین نقدی که می‌توان به دوستان‌داران این تعریف روا داشت آن است که حتی در علوم مهندسی و تجربی که با ماده سروکار دارند، برای مسائل گوناگون از ابزارهای مختلفی بهره می‌برند؛ با توجه به این نکته آیا این صحیح است که در مواجهه با انسان این‌گونه رفتار شود؟!
۵ شفافیت به‌مثابه ابزار	شفافیت به‌مثابه ابزاری در کنار سایر ابزارها. در واقع این تعریف شفافیت را تنها یک ابزار می‌داند که در تعامل با سایر ابزارها و با لحاظ اقتضائات، نواقص و کژکاردهای آن می‌توان به‌خوبی از آن بهره برد. در این نگاه به طراحی بسته ابزاری برای مدیریت هرچه بهتر هوشمندانه اقدام می‌شود. این افراد تعصبی به شفافیت و یا سایر ابزارها ندارند بلکه حل مسئله، مسئله آن‌هاست و هر ابزاری که بتواند با لحاظ شرایط پیش‌گفته، بهتر مسئله را حل کند، انتخاب و جایگذاری خواهد شد.	به نظر می‌رسد این نگاه به شفافیت صحیح است. به جای آنکه جایگاهی والا برای شفافیت قائل شویم، بایستی آن را در کنار سایر ابزارها دیده و با آن به‌مثابه تنها یک ابزار برخورد کنیم.